



جایگاه نوروز در منابع دینی و فقهی / نفی شبهه مشروع نبودن نوروز

با بررسی در متون دینی روشن می‌شود نوروز و آیین‌های ویژه آن مانند هدیه‌های نوروزی و احکام شرعی آن مانند غسل ، نماز و روزه مستحبی، بدون هیچگونه مخالفتی تلقی به قبول شده است.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: با بررسی در متون دینی روشن می‌شود نوروز و آیین‌های ویژه آن مانند هدیه‌های نوروزی و احکام شرعی آن مانند غسل ، نماز و روزه مستحبی، بدون هیچگونه مخالفتی تلقی به قبول شده است. مقتضای روایات ، سیره (معصومان) (ع)، سیره مسلمین، آرای فقها و نیز مذاق اسلام در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌ها آن است که برگزاری عید ملی و بومی نوروز بدون انتساب به اسلام بی‌اشکال است و نامشروع دانستن آن فاقد دلیل معتبر شرعی و مخالف با موازین فقهی و اجتهادی است.

آغاز سال طبیعی که به طور معین نخستین روز فروردین ماه و هنگام انتقال خورشید از برج حوت به برج حمل است و آن را نوروز می‌نامند، حاکی از تحوّل و پدیده‌های طبیعی است که نقطه اعتدال ربیعی و آغاز بهار و فصل رویش و جنبش و جان یافتن دوباره طبیعت پس از مرگی طبیعی است، این هنگامه همواره از دیرباز در ایران باستان با عنوان «عید نوروز» همراه با برگزاری جشن و آیین‌های ویژه نوروزی بوده است.

پیشینه نوروز و آیین‌های ویژه آن پیشینه‌ای بلند در تاریخ دارد که در طول قرن‌ها از عهد آریاییان، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان تا به امروز با همه فروود و فرازهایش از حیات و اعتباری خاص برخوردار بوده است. جشن‌های نوروزی به دلیل هم زمانی با شروع فصل پرطراوت بهار و هم سویی با لطافت و نشاط و جنبش و رویش طبیعت، با حفظ حیات چند هزار ساله خود علی رغم وجود بعضی شک و شبهه‌ها و مخالفت ورزی بعضی اهل سنت و نیز برخی علمای شیعه در دوره‌های اخیر به بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی در شرق و غرب، مصر ، بعضی نواحی عراق ، ترکیه ، افغانستان ، پاکستان ، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه راه پیدا کرده و همواره علمای اسلام و دولت‌ها و حکومت‌های به اصطلاح اسلامی مانند اموی‌ها، عباسی‌ها تا به صفویه و قاجار واکنش‌های متفاوتی درباره آن نشان داده‌اند.

نوروز در متون و منابع دینی

نوروز که مرکب از دو کلمه و به معنای روز تازه است، در متون و منابع دینی اعم از حدیث، فقه و تاریخ با دو عبارت «النوروز» و «النوروز» یاد شده است. به طور عمده نوروز یا نوروز در دو باب از فقه به پیروی از روایات مطرح شده است: نخست در باب مسأله غسل و نماز و روزه‌های مستحبی و دیگر در باب معاملات در مسأله بیع نسبه ، بیع سلف و نیز مسأله هدیه .

باتوجه به آنکه روایات مربوط به هدیه‌های نوروزی و نیز عبارات فقها در باب نوروز در بحث معاملات از قدمت و اعتبار بیشتری برخوردارند، نخست روایات و عبارات این باب را ذکر می‌کنیم:

مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ قمری) در کهن ترین متن حدیثی از کتب اربعه یعنی کافی از حسن بن محبوب که از اصحاب اجماع شمرده شده از ابراهیم کرخی که از نظر رجالی ناشناخته است، نقل کرده است که ابراهیم کرخی گفت: از امام صادق (ع) درباره شخصی پرسید که مزرعه بزرگی دارد و روز مهرگان یا نوروز که فرا می‌رسد کارگران و کشاورزان (به رسم نوروز) برای او هدیه می‌برند؛ آیا بپذیرد؟ امام فرمود: آیا هدیه دهندگان اهل نماز و مسلمانند؟ گفت: آری! امام فرمود: هدیه آنها را بپذیرد و در مقابل جبران و تدارک کند.

گذشته از سند روایت که ابراهیم کرخی مجهول و ناشناخته است، نه آنکه ضعیف باشد و گذشته از آنکه مشایخ سه گانه آن را در کافی، فقیه و تهذیب نقل کرده‌اند و والد مجلسی در شرح فقیه آن را صحیح شمرده، روایت دلالت دارد که در آن روزگار در میان مسلمانان رسم هدیه‌های نوروزی برقرار بوده و امام هیچ گونه اشکالی بر آن نکرده و بلکه به نوعی آن را تأیید فرموده است.

در روایتی دیگر چنین آمده است که برای امیرمؤمنان (ع) هدیه نوروزی آوردند. امام پرسید: این چیست؟ گفتند: امروز نوروز است. (هدیه نوروزی است) امام فرمود: هر روز را برای ما نوروز کنید. بنابر این روایات، در زمان خلافت امیرمؤمنان (ع) به مقتضای رسوم گذشته که به بزرگان هدیه نوروزی می‌داده‌اند، برای امام هدیه نوروزی آوردند و امام نیز نه اصل نوروز را و نه آیین‌های آن مانند هدیه دادن را منع نفرموده است.

همچنین برای امام علی (ع) فالوذج (حلوای نوروزی سمنو) هدیه آوردند. امام فرمود: این چیست؟ گفتند: روز نوروز است. فرمود: اگر می‌توانید هر روز را نوروز کنید.

در روایتی دیگر آمده است: ان المجوس اهدوا إلیه (علی علیه السلام) یوم النیروز جاماتٍ من فضةٍ فیها سکر فقسّم السکر بین اصحابه وحسبها من جزیتهم وبعت إلیه (علی علیه السلام) دهقانٌ بثوبٍ منسوجٍ بالذهب فابتاعه منه عمرو بن حریث باریعة الآف درهم الی العطاء. مجوسی‌ها (ایرانیان قبل از مسلمان شدن) در روز نوروز جام‌های سیمین و نقره‌ای پر از شکر و شیرینی برای حضرت امیر (ع) هدیه آوردند. امام هدایای آنان را پذیرفت و آن را میان مسلمانان تقسیم کرد و در مقابل جزیه و خراج آنان را بخشید. دهقانی (بزرگ قبیله) پارچه‌ای زرباف برای آن حضرت هدیه کرد. امام آن را به عمرو بن حریق به چهار هزار درهم فروختند. روشن است که آن را برای مستمندان و یا دیگر مصارف جامعه اسلامی به مصرف رسانیدند.

بنابراین در هدیه‌های نوروزی که میان ایرانیان معمول و مرسوم بوده، چه آنگاه که به یک دیگر هدیه می‌داده‌اند و یا کشاورزان به ارباب‌ها و مالکان بزرگ پیش کش می‌کرده‌اند و یا حتی در مواردی که برای رسول خدا (ص) و امام علی (ع) هدیه نوروزی می‌داده‌اند، هیچ گونه مخالفت و منعی و یا اصلاحی نقل نشده است، بلکه با پذیرفتن هدایای نوروزی و تدارک عوض آن با بخشش جزیه و خراج و یا دادن هدیه متقابل به نوعی آن را تأیید می‌کرده‌اند.

احکام فقهی نوروز

در فقه شیعه برای نوروز آداب و احکام ذکر شده است، مانند: غسل، نماز و روزه مستحبی. اساس و سند فقهی این احکام تا آنجا که تحقیقات نشان می‌دهد فقط روایت معلی بن خنیس از امام صادق (ع) است که نخستین بار شیخ طوسی آن را در حاشیه کتاب مصباح المتعجد و درباره دعا و زیارات و مستحبات نوشته و در مختصر مصباح شیخ نقل شده است.

اصل روایت چنین است: عن المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق علیه السلام فی يوم النیروز قال: اذا کان يوم النیروز فاغتسل وائیس أنظف یتابک وتطیب بأطیب طیبک وتکون ذلک الیوم صائماً فاذا صلیت النوافل والظهر والعصر فصل بعد ذلک اربع رکعات تقرأ فی اوّل کل رکعة فاتحة الکتاب وعشر مرّات انا انزلناه فی لیلۃ القدر وفی الثانیة فاتحة الکتاب و عشر مرات قل یا ایها الکافرون وفی الثالثة فاتحة الکتاب وعشر مرات قل هو الله احد وفی الرابعة فاتحة الکتاب وعشر مرات المعوذتین وتسجد بعد فراغک فی الركعات سجدة الشکر وتدعو فیها یَغْفِرُ لک ذنوب خمسین سنة.

از معلی بن خنیس از مولای ما امام صادق (ع) درباره روز نوروز نقل شده است که امام فرمود: هرگاه روز نوروز شد غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و خود را به خوش‌بوترین عطرها خوش بو کن و این روز را روزه باش و آن گاه که نوافل و نماز ظهر و عصر را خواندی، چهار رکعت نماز بخوان؛ در رکعت نخست سوره حمد و ده بار سوره قدر را و در رکعت دوم سوره حمد و ده بار سوره کافرون را و در رکعت سوم سوره حمد و ده بار سوره توحید را و در رکعت چهارم سوره حمد و ده بار سوره ناس و فلق را بخوان و پس از آن به سجده شکر رو و دعا کن که گناهان پنجاه سال بخشوده می‌شود.

بسیاری از فقها پس از شیخ طوسی در مصباح به پیروی از او در بیشتر کتاب‌های فقهی شان به غسل و نماز و روزه نوروز در ردیف غسل‌ها، نمازها و روزه‌های مستحبی توجه کردند و در مقام اشاره به مستند آن نیز همین حدیث معلی بن خنیس را یادآور شدند.

نفی شبهه فقدان مشروعیت نوروز

از روزی که بحث اعمال و احکام روز نوروز در فقه شیعه مطرح شد و فتوا به استحباب آن مورد قبول مشهور فقها قرار گرفت، هیچ کس از محدثان و مجتهدان که رأی و نظرش قابل اعتنا باشد، بحث مخالفت با نوروز و یا شبهه نامشروعیت آن را مطرح نکرده است.

اگر سخنی دارند در این باره است که روایت معلی بن خنیس مرسل و ضعیف است و نمی‌تواند مستند حکم شرعی قرار گیرد و بعضی با استفاده از قاعده تسامح در ادله سنن پاسخ داده‌اند و بعضی از راه احتمال مطلوبیت و قصد رجاء پیش آمده‌اند. به هر حال، اگر بنا بود ماندگاری و برگزاری نوروز و مراسم و آئین‌های آنها به دلیل تعلق داشتنش به ایران باستان و زرتشتیان خلاف شریعت باشد و یا برگزاری مراسم آن زنده نگاه داشتن شعائر کفار، همانندی به مجوسی‌ها، ترویج و تقویت شرک و آتش پرستی و فساد و فحشا و تضعیف توحید و ارزش‌های اسلامی و انسانی به شمار آید، در طول تاریخ هزارساله فقه باوجود این همه حساسیت و دغدغه‌های فقها باید به جای پرداختن به اشکال‌های سندی برای استحباب اعمال نوروز، به اصل نامشروعیت این آیین می‌پرداختند.

در میان این همه فقه‌های دقیق از ابن ادریس صاحب سرائر و علامه و شهید اول و دوم تا به امروز هیچ فقیه فرزانه‌ای شبهه تشبه به کفار، تعظیم شعائر کفار و یا خلاف شریعت بودن نوروز را در رد آن مورد استدلال قرار نداده است و اگر بزرگانی از فقه‌های برجسته با تقدس مثال زدنی مانند «ابن فهد حلی» با ارائه بحث مفصلی درباره تعیین روز نوروز تصریح می‌کند که (یوم النیروز یوم جلیل القدر.) هیچ فقهی او را احیاگر سنت مشرکان که در تضاد با اهداف و مقاصد شریعت است و یا مخالفت با دلیل و مدرکی است، انتقاد نمی‌کند. در حالی که وقتی به بحث نماز و روزه در روز عاشورا می‌رسند، به دلیل آنکه بنی امیه اقدام به ساخت اخبار دروغ مبنی بر فضایل روز عاشورا نمودند و برای آن فضائلی چون نماز، روزه و صله رحم و... جعل کردند، تمام آن اخبار را ساختگی قلمداد نمودند و روزه آن روز را مورد اشکال قرار دادند. اگر قرار بود در اعمال نوروز شبهه و شائبه تشبه به دشمن و یا احتمال تقویت جبهه مخالف و مانند آن باشد، به یقین ابراز مخالفت می‌کردند.

اسلام هرگز جریان فرهنگ انسانی را سد نکرده و حتی آن را به پیش رانده است. اسلام درباره امور عادی، عرفی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی پوشش، گویش و مانند آن به طور غالب مردم را آزاد گذاشته و در جزئیات دخالت نکرده است. البته ارشاد و راهنمایی برای بهبود و بهینه شدن کارها و کلیات و قواعدی دارد که با منطق و خرد و فطرت پاک انسانی منطبق است و آیین و آداب و عادات و رسوم در هر زمان و زمینی باید با همان مقیاس‌ها سنجیده شود. هرچه به انحراف بشر از مسیر صحیح زندگی بینجامد و با هدف آفرینش و کمال انسانی در تضاد باشد، مانند بت پرستی، جهل، خرافه، فساد، فحشا و منکرات از نظر اسلام ممنوع و نامشروع است.

با روشن شدن موضع اسلام در برخورد با فرهنگ و سنت‌های رایج در میان اقوام مختلف جهان چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام، سنت دیرپای نوروزی را به منزله آیینی باستانی و ملی در ایران باید بررسی کرد و نظر اسلام را درباره آن جویید؛ آیا آیین و جشن‌های نوروز همراه با جنبش طبیعت، خانه تکانی، نوپوشی، اظهار نشاط و شادمانی، استفاده از بوی خوش، پخش نقل

و شیرینی، دید و بازدیدها، دادن هدایا، فراموش کردن قهر و کینه‌ها، برقراری صلح و آشتی با دوستان، عفو و بخشودگی زندانیان و... ترویج و تقویت بی‌دینی، شرکت و بت پرستی و در تضاد با ارزش‌های انسانی و رونق جهل و خرافات است و یا آنکه دلیلی معتبر از کتاب و سنت بر مخالفت با نوروز و نامشروعیت آن در دست است و یا تشریع و افتراء و دخالت و تصرف در حوزه دین و احکام الهی است؟

مخالفت با نوروز صرفاً به دلیل خدمت تاریخی و متعلق به ایران باستان و عهد زرتشتیان همانند مخالفت با زبان فارسی و مخالفت با طب و فلسفه به دلیل تعلق آن به ایران و زردشتیان، روم و یونان و مخالفت با صنعت و تکنولوژی به دلیل تعلق آن به غرب و اروپا و... مادامی که دلیل معتبری در دست نباشد، غیرمنطقی و نامعقول و بد جلوه دادن حقیقت دین در دید جهانیان و خلاف مصالح شریعت و امور اسلامی است. بنابراین، در صورتی که دلیل معتبری بر مخالفت شریعت با نوروز در دست نباشد و بر این آیین باستانی و ملی آثاری چون بدعت، تشریع، تشبیه به دشمن، شرک، فساد و تضاد با ارزش‌ها مترتب نگردد، مقتضای اصول و قواعد کلی اسلامی و موازین فقهی و اصولی بی‌اشکال بودن برگزاری مراسم نوروزی است و به صرف اینکه سنتی کهن و متعلق به ایران باستان و عهد زرتشتیان است، نمی‌توان با نام دین به مخالفت با آن برخاست و آن را نامشروع اعلام کرد.

دلایل مخالفان با نوروز

برخی در مخالفت با مراسم نوروز و نامشروع بودن آن به وجوهی استدلال کرده‌اند که به طور فشرده مهم‌ترین آنها را نقل و نقد می‌کنیم:

دلیل اول: اسلام جز عید فطر، قربان و جمعه عید دیگری ندارد. بنابراین، عید نوروز چون مورد تأکید اسلام نیست، بدعت و خلاف شرع است.

در نقد این دلیل باید گفت که، اولاً بنا نیست کسی عید نوروز را جزء اعیاد اسلامی و یا مذهبی بشمرد، بلکه آن را با عنوان عید ملی مطرح می‌کنند و ثانیاً سخن از تأیید نیست، بلکه بحث در این است که آیا مخالفتی با آن شده است یا نه و برحکم به خلاف شرع و بدعت بودن نوروز احرار مخالفت و دلیل لازم است.

دلیل دوم مخالفان مراسم نوروز این است که مشروعیت نوروز نیاز به اجازه شرع مقدس دارد و بدون آن ممنوع و نامشروع است. که در پاسخ باید گفت که، اگر مقصود آن است که انجام این برنامه‌ها به نام دین و با انتساب به اسلام باشد، ممنوع است. اما اگر مقصود آیین‌های نوروزی به عنوان بومی و ملی است، از قبیل خانه‌تکانی، نوپوشی، دید و بازدید، دادن هدیه، صلح و آشتی و اظهار سرور و شادمانی، بدیهی است که این گونه امور جزء عبادات محسوب نمی‌شود تا توقیفی باشند و نیازمند اجازه شرع مقدس باشند. اگر مقصود اعمالی مانند غسل، نماز و روزه است، البته اینها توقیفی و نیازمند به اجازه و دلیل شرعی است و کسانی که به استحباب این اعمال فتوا داده‌اند، به روایت معلی بن خنیس به ضمیمه قاعده تسامح در ادله سنن و باب رجاء مطلوبیت و قصد رجاء استناد کرده‌اند.

دلیل سوم آنها این است که می‌گویند، ابن شهر آشوب از امام کاظم (ع) روایت کرده است که امام از پذیرفتن تقاضای منصور دوانیقی مبنی بر نشستن امام جهت شادباش گویی عید نوروز و پذیرفتن هدیه‌های نوروزی امتناع ورزید و فرمود: اتی قد فتشت الأخبار عن جدی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فلم أجد لهذا العید خبراً؛ من میان اخباری که از جدم رسول خدا رسیده، جست‌وجو کردم و برای این عید خبری نیافتم. و این عید سنتی از فرس است که اسلام آن را محو کرده و پناه به خدا می‌برم که آنچه را اسلام از بین برده است من آن را زنده کنم.

در نقد این دلیل نیز باید گفت که اولاً این روایت از جهت سندی فاقد اعتبار و اعتماد است، ثانیاً با روایت ابن خنیس که از نیمه دوم قرن پنجم همواره مورد فتوای مشهور فقها بوده، مخالف است و اگر بنای تعارض باشد، روایت ابن خنیس بر آن مقدم است، ثالثاً از جهت متن و عبارت چندان شباهت و سنخیتی با روایات ندارد و رابعاً از جهت دلالت دچار اشکال است؛ نیافتن خبری برای این عید یا به معنای آن است که درباره اصل آن و یا درباره تأیید آن خبری پیدا نشده است؟ هر یک از دو احتمال که مقصود باشد، دلیل بر نامشروعیت آن نمی‌شود، بلکه باید خبری بر مخالفت با آن یافت تا به نامشروعیت حکم نشود. پس معنای روایت این است که بر اصل این عید خبری یافت نشده، نه بر مخالفت و نه بر تأیید آن. با فرض اینکه امام درصدد اثبات نامشروعیت آن به استناد اخبار جدش رسول خداست، نه آنکه خود آن را ممنوع و خلاف شرع اعلام کند، پس جمله (واؤه سته الفرس ومحاها الاسلام) چه معنا می‌دهد؟ اسلام کجا، چگونه و به استناد کدام دلیل آن را محو ساخته است تا زنده کردن آن مخالف با اسلام باشد؟

اگر از همه اشکالات یاد شده صرف نظر شود و سند و متن و دلالت آن پذیرفته شود، برخی بزرگان مانند علامه مجلسی، صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری باتوجه به روایت ابن خنیس (انه یوم من ایامنا حفظه القرص؛ نوروز روزی از روزهای ماست که ایرانیان آن را حفظ کرده‌اند). روایت ابن شهر آشوب را حمل بر تقیه کرده‌اند که روزگار امام کاظم (ع) اوج خفقان و تقیه بوده است. به هر حال، از روایت مناقب، ممنوعیت و نامشروعیت عید نوروز استفاده نمی‌شود و در نتیجه، اگر دلیل خاص دیگری برخلاف یا وفاق نباشد، نوبت به اجرای قواعد و اصول می‌رسد که مقتضای حکم عقل و شرع اباحه و جواز است. (بناظر به اینکه در حدیث مرسل ابن خنیس و دیگر احادیث مرسل. نوروز روز ولایت علی بن ابی طالب (ع) و روز ظهور امام زمان (ع) شناخته شده است نظر فقیهان بزرگی مانند صاحب جواهر و شیخ انصاری مبنی بر حمل روایت مناقب بر تقیه با فرض درستی سند هر دو سخن دقیق و عالمانه‌ای است و عمل بر تقیه را در کلام این بزرگان خلاف و تقیه دانستن ناشی از بی‌دقتی است.